

به نام خدا

مجری: آقای دکتر این روزها صحبت های نامزدها را می شنوید؟

قدیری: بله

مجری: خب نظرتون چیه؟ یعنی چه جوری حرف میزنند؟ چه جوری برنامه می دهند؟ به نظرتون چقدر مبتنی بر شناخت واقعیات ایران است و چقدر راه حلها و راهکارهایی که می دهند عملیاتی و منطقی است؟

قدیری: به نظرم میاد که نامزدها بیشتر تمایلاتشان را ابراز می کنند، مایل هستند چه خدماتی ارائه بدهند، فکر می کنم که اغلب صادقانه این حرف را می زنند، اما اینکه این کارها چگونه می خواهد عملی بشود؟ بیشتر کلیات است و وارد جزئیات نشده اند. مردم هم به نظر میاد به همین کلیات بسنده می کنند، حالا اگر جلوتر برویم من می گویم که مشکل کار چیست و آیا می شود مطالبات مردم را پاسخگو بود؟ آیا نامزدها می توانند آنچه که می گویند عمل بکنند؟

مجری: ما دیشب از بیننده ها پرسیدیم که نامزد مورد نظرتان را انتخاب کردید یا دارید بررسی می کنید که انتخاب کنید؟ ۷۰ درصد گفته اند که انتخاب نکردیم و ۳۰ درصد گفته اند که انتخاب کردیم، شما چی، انتخاب کردید یا نه؟

قدیری: من بین دو نفر از آنها باید ببینم کدامشان بهترند، هر دو شون خوبند.

مجری: حالا اگر دیدید یک نفر بیرون از آن دو نفر دردها را درست تر تشخیص می دهد، ظرفیتها را درست تر تشخیص می دهد، برنامه هایی که ارائه می دهد عملیاتی تر است حاضر هستید آن دو نفر را بگذارید کنار و به او رأی بدهید؟

قدیری: کف قضیه برای من این است که اصولگرا و ولایت مدار باشند، خودشان را با ولایت تنظیم بکنند، بعد اینکه کدام قوی تر هستند و بهتر می توانند برنامه اجرا بکنند. در حقیقت هدف این است که کشور پیش برود. اگر کسی بهتر می تواند این کار را بکند. من اگر خودم احراز صلاحیت می شدم و احساس می کردم در بین نامزدها کسی هست که این برنامه ها را بهتر می تواند انجام بدهد موظف بودم که شرعاً به نفع او کنار بروم چون اگر هدف خدمت است اون کسی که بهتر می تواند خدمت کند او باید بیاید رأس کار.

مجری: خب آقای دکتر اگر بخواهیم یک تصویری از وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران ارائه بدهیم مبتنی بر واقعیت‌ها، با عدد و رقم، به قول معروف یک تصویر واقعی، به چه نکاتی می‌توانیم اشاره کنیم؟ قطعاً مهم است وقتی این تصویر را خوب بشناسیم آنوقت می‌توانیم ببینیم که کاندیداها آیا این تصویر را دیدند و برنامه‌هایی که ارائه می‌دهند چقدر مبتنی بر این واقعیات است و بعد چقدر عملیاتی و شدنی است؟

قدیری: معمولاً آمار و اطلاعات در کشور ما شفاف است. یعنی اعلام می‌کنند رسانه‌ها، بودجه‌ی مجلس و... اما فهم این خیلی مهم است. ممکن است مثلاً در بودجه ارقام چند هزار میلیاردی اشاره بکنیم، مردم متوجه نمی‌شوند که این یعنی چقدر؟ من یک کاری که در سال‌های گذشته انجام دادم. امروز هم آماري که آوردم بر همین مبناست، سعی کردم که این اعداد درشت ملموس بشود برای افراد. خب ما معمولاً با حقوق و درآمد ماهانه سروکار داریم، گفتم آقا این بودجه کلان یعنی ماهانه نفری چقدر؟ اگر نفری ماهی چقدر را به ازای هر ایرانی حساب بکنیم اندازه دستمان می‌آید، آنوقت می‌توانیم توقعات خود را تطبیق دهیم و بدانیم که آیا آن چیزی که ما می‌خواهیم قابل وصول هست یا نیست؟ ببینید من معتقدم که متأسفانه ما در ایران دچار توهم هستیم. اولاً یک واقعیتی است اینکه اقتصاد ما وابسته به نفت است، اما یک مشکلی که بالاتر از وابستگی به نفت داریم، وابستگی ذهنی به نفت است. تصور مردم از میزان درآمدهای دولت (درآمد نفت، گاز و بودجه ی دولت) ده‌ها، صدها و گاه هزاران برابر واقعیت است. ببینید اگر یک مردمی چه فرد، گروه، قشر تصورش چندین برابر واقعیت باشد چه اتفاقی خواهد افتاد؟ این باعث شده ما همه مطالبه‌گر باشیم. الان در همین انتخابات منتظریم که یک قهرمانی پیدا شود که او را انتخاب کنیم و او تمام مشکلات ما را حل بکند و بگوید این کار را می‌کنم، آن‌کار را می‌کنم. حالا من این آمارها را اینجا آوردم که آقا اصلاً درآمد ما چقدر است؟ با این درآمد چه کار می‌شود کرد؟ ما از اسلاید اول شروع می‌کنیم.

میزان صادرات نفت به ازای هر نفر در هر ماه



۲۳۰۰۰۰۰	میزان صادرات نفت روزانه
۶۹۰۰۰۰۰۰	میزان صادرات نفت ماهانه
۷۵۰۰۰۰۰۰	جمعیت ایران
۰/۹۲ بشکه	سرانه صادرات نفت به ازای هر نفر در هر ماه به بشکه

ببینید ما در سال ۹۱ پیش بینی کردیم روزانه ۲۳۰۰ هزار بشکه نفت صادر بکنیم البته این قبل از تحریم بوده ولی در بودجه ۹۱ هست، روزی ۲۳۰۰ هزار بشکه را ضربدر ۳۰ روز بکنیم می‌شود ۶۹ میلیون بشکه که تقسیم بر ۷۵ میلیون جمعیت می‌شود نفری ماهی کمتر از یک بشکه. تقریباً ۹۲٪ یک بشکه. ما می‌خواهیم معیشت، مسکن، اشتغال، ازدواج... همه‌ی اینها تأمین بشود با کمتر از یک بشکه در ماه به ازای هر نفر؟! البته این چیزی بوده که مصوب شده.

منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده های نفتی در بودجه سال ۱۳۹۱

عوامل موثر بر پیش بینی بودجه

- میزان حجم صادرات نفت ۲/۳ میلیون بشکه روزانه
- قیمت هر بشکه نفت (۸۵ دلار)
- قیمت دلار ۱۲۲۶ تومان

اساس بودجه بر اساس پیش بینی است اما آنچه که محقق می‌شود ممکن است یا کمتر باشد یا بیشتر. مثلاً در بودجه سال ۹۱ پیش بینی کردیم روزانه ۲۳۰۰ هزار بشکه بدهیم قیمت هر بشکه نفت ۸۵ دلار هم ۱۲۲۶ تومان.

منابع حاصل از صادرات نفت و فرآورده های نفتی در سال ۱۳۹۱

جدول شماره ۳ - خلاصه واگذاری و تملک دارایی های سرمایه ای در سال ۱۳۹۱
ارقام به میلیون ریال*

واگذاری دارایی های سرمایه ای	تملك دارایی های سرمایه ای
۹۱۰۵۳۴۸۱۰۰	۳۸۲۵۳۳۳۱۵
۹۵۰۵۶۶۰۰۰	۴۸۸۰۸۱۸۰۴
	۵۵۲۰۹۸۳۳۲
	۲۰۶۵۰۹۶۱
	۲۷۷۰۰۰
	۸۱۳۶۶
	۲۰۳۸۹۹۹۸
	۲۲۰۳۵۵۰۳۵
	۲۲۰۳۵۵۰۳۵

شرح جدول: در این جدول حاصل از نفت و فرآورده های نفتی، سایر منابع حاصل از فروش انواع نفتون و غیر نفتون، حاصل این - ساختمان و سایر مستغلات، حاصل بودجه - تسهیلات آتیه و اعتبارات، حاصل بودجه - سایر منابع مالی، حاصل اعتبارات - تسهیلات از بودجه های دیگر، حاصل بودجه - سایر منابع، حاصل شرکتها - سایر دارایی های تولید شده، تملک دارایی های سرمایه ای

* منابع موضوعی: در این جدول واگذاری دارایی های سرمایه ای به ارزش ۳۳۸۰۰۰۰۰۰۰ ریال برآمده از بودجه و پس از کسر سایر منابع تولید شده است. به منابع جدید کمتر ۱۳۰۷۵ میلیارد ریال از منابع هوایه حاصل شده است. همچنین از صادرات نفت، گاز و میعانات گازی به دست می آید.

این جدول کلان شماره ۳ بودجه است بند اول نوشته منابع حاصل از نفت و فرآورده های نفتی بالای ۶۱۰۰۰۰۰ هزارمیلیاردریال که یک رقم نجومی است، این رقم پیش بینی شده در سال ۹۱ بیش از پارسال و سالهای قبلش بوده است، حالا آنهایی که می گویند این سالها درآمد نفت زیاد شد اثرش در زندگی ما چیست حالا ببینیم این چقدر است. این عدد را همان کار را بکنیم یعنی تقسیم بر جمعیت تقسیم بر ۱۲ ماه

منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده های نفتی در بودجه سال ۱۳۹۱	
•	۶۱۰۵۵۲۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال
•	۶۱ هزار میلیارد تومان
•	تقسیم بر ۷۵ میلیون جمعیت
•	تقسیم بر ۱۲ ماه
•	نفری ماهی حدود ۶۷ هزار تومان

می شود نفری ماهی ۶۷ هزارتومان. اوج درآمد نفتی ما که قرار بود محقق بشود می شود نفری ماهی ۶۷ هزارتومان . ما با ماهی ۶۷ هزارتومان توقع داریم معیشت، مسکن، اشتغال، ازدواج همه ی اینهارا حکومت تأمین بکند؟ امکان ندارد

مجری: تازه اگر هیچ خرج دیگری کشور نداشته باشد.

قدیری: بله حالا این بودجه تقسیم می شود. البته این یارانه ای که می دهند غیر از این پولی است که صادر می شود چون ۲.۳۰۰.۰۰۰ قرار بود صادر کنیم و پول آن به خزانه بیاید و دولت و مجلس بنشینند و باهم تصمیم بگیرند چگونه تقسیمش بکنند. روزی ۱.۷۰۰.۰۰۰ بشکه در داخل مصرف می شود که این یارانه ها بحثش مربوط به آن است.

خب من حالا می خواهم بگویم که آقا اگر به جای این نامزدها، دولت فعلی، دولت های قبلی اصلا خدا خودش بگوید که تقسیم بودجه با من، آیا اگر خدا خود برعهده بگیرد مشکل ما حل خواهد شد؟ خواسته هامان برطرف خواهد شد؟ من می گویم ابداً . کما اینکه ما ارث را بر اساس حکم خدا تقسیم می کنیم خدا در قرآن گفته چطور تقسیم کنیم. آیا کسی بهش ارث می رسد می تواند تمام خواسته هایش را برآورده کند؟ بستگی دارد میزان ارث چقدر باشد. با ماهی ۶۷ هزار تومان حتی اگر تمام بودجه صرف معیشت شود نمی شود تأمین شود چون این بودجه بودجه ی زیادی نیست. البته فقط

نفت نیست ما چیزهای دیگر هم داریم گاز داریم، مس داریم، سنگ داریم، آهن داریم، گمرک، مالیات، عوارض علاوه بر همه‌ی اینها وام هست، خصوصی سازی هست که سرمایه‌ی فروشی است. مجموع بودجه‌ی عمومی دولت تشکیل شده از نفت و سایر موارد.

جمع منابع مالی بودجه عمومی سال ۱۳۹۱

جدول شماره ۵- درآمدها، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی بر حسب قسمت، بخش، بند اجزا در سال ۱۳۹۱ (ارقام به میلیون ریال)

شماره جدول	تومان	عمومی			اجتماعی			جمع کل	
		مهر	استان	جمع	مهر	استان	جمع	عمومی	اجتماعی
جمع کل	جمع	۱۰۹۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۹۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۱۰۰۰۰۰۰۰

جمع کل ۱۶۴۱۱۴۶۲۳۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال

**کل بودجه عمومی دولت
به ازای هر نفر در هر ماه جمعاً ۱۸۲۳۵۰ تومان**

کل بودجه‌ی ای که دولت باید با آن کشور را اداره کند بالای ۱۶۴۰۰۰۰ میلیارد تومان است، یعنی چقدر؟ یک تقسیم می‌کنیم به ۷۵ میلیون یک تقسیم می‌کنیم بر ۱۲ ماه

می‌شود نفری ماهی حدوداً ۱۸۲.۰۰۰ تومان. یعنی حکومت می‌بایست در سال ۹۱ که بودجه بیش از سال‌های دیگر بود با نفری ماهی ۱۸۲ هزار تومان کل کشور را اداره کند. کل بودجه هم کم است، قرار بود ۶۷ هزار تومان این نفت باشد.

سال	درآمد نفت	بودجه عمرانی	وزارت آموزش و پرورش	الباقی به تومان
۱۳۸۹	۴۸۰۰۰	۳۳۰۰۰	۱۳۰۰۰	۲۰۰۰
۱۳۹۰	۶۳۰۰۰	۴۷۰۰۰	۱۳۰۰۰	۳۰۰۰
۱۳۹۱	۶۷۰۰۰	۴۲۰۰۰	۱۳۰۰۰	۱۲۰۰۰

حالا بیاید سه سال آخر را بررسی کنیم سال ۹۱ بوده ۶۷ هزار تومان، سال ۹۰ بوده ۶۳ هزار تومان، سال ۸۹ بوده ۴۸ هزار تومان. آقا درآمد نفت افزایش پیدا کرد چیست؟ موقعی که درآمد نفت تقسیم به جمعیت آنموقع ۴۸ هزار تومان بود ۳۳ هزار تومان عمرانی بود، ۱۳ هزار تومان آموزش و پرورش، می‌ماند ۲۰۰۰ تومان بودجه نفت تمام شد. سال بعد ۱۵ هزار تومان اضافه شده به پول نفت شده ۶۳ هزار تومان از این ۱۵ هزار تومان، ۱۴ هزار تومان به عمرانی اضافه شد ۱۰۰۰ تومان به سایر موارد. سال ۹۱ این مبلغ شد ۶۷ هزار تومان که چهار هزار تومان بیشتر شده که اگر تورم را در نظر بگیریم در اصل کمتر هم شده است، بودجه عمرانی را ۵ هزار تومان کمتر کردند و بر سایر موارد اضافه کردند. حالا شما ممکن است بگویید که آقا بودجه عمرانی را بیشتر می‌کردیم و از آموزش و پرورش کم می‌کردیم و یا بالعکس زیاد فرقی نمی‌کرد.

حالا ما در سال ۸۹ پیش بینی کردیم ۴۸.۰۰۰ تومان نفری ماهانه درآمد نفت باشد اما به خاطر بحران لیبی بیش از این ما نفتمان را فروختیم ما پیش بینی کردیم بشکه ای ۶۵ دلار باشد اما تا بشکه ای ۱۲۰ دلار هم رسید

در سال ۱۳۸۹ قیمت فروش نفت
بیشتر از پیش بینی بود.

اما به دلیل تامین نشدن سایر منابع بودجه،
۱۳ هزار میلیارد تومان کسری بودجه حاصل شد.
۱۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال

با وجود افزایش قیمت نفت ۱۳ هزار میلیارد تومان ما عملاً کسری بودجه داشتیم، یعنی واقعیت بودجه این است. چون مالیات به اندازه ای که پیش بینی کرده بودیم نگرفتیم، کارخانجاتی که قرار بود واگذار بکنیم نکردیم

صادرات نفت روزانه در بودجه

قبل از تحریم = ۲۳۰۰۰۰۰۰ بشکه

بعد از تحریم = ۱۳۰۰۰۰۰۰ بشکه

روزی یک میلیون بشکه کمتر

خب حالا به نسبت امسال (۱۳۹۲): گفتیم در سال ۹۱ بوده ۹۲٪ امسال پیش بینی شده در بودجه ای که داده شده یک میلیون بشکه کمتر بفروشیم یعنی به جای ۲۳۰۰ هزار بشکه، ۱۳۰۰ هزار بشکه صادر کنیم. جمعیت ما هم از ۷۷ میلیون عبور کرده و به ۷۸ میلیون می‌رسد این میزان صادرات را

تقسیم کنیم بر ۷۸ میلیون و تقسیم کنیم بر ۱۲ ماه می شود ماهی ۰/۵ بشکه پس ما درآمدان امسال کمتر از پارسال پیش بینی شده است. حالا اگر درآمد ما کمتر از پارسال است چطور وعده های بیشتر می دهیم که خدمات را می خواهیم اضافه کنیم؟ خب اگر درآمد کاهش پیدا می کند ما ناچاریم خدمات را کم کنیم، مگر اینکه یک راهی پیدا کنیم که بودجه را اضافه کنیم. دست ما نیست که بگوییم نفت را بشکه ای به جای صد دلار می فروشیم هزار دلار این در اختیار ما نیست.

مجری: تازه اگر این منطق را بپذیریم که اشکالی ندارد هرچه فروختیم بخوریم. یعنی همین منطق را هم بپذیریم که غلط هم هست باز هم نمی توانیم.

قدیری: بله یعنی الان این وعده هایی که دارند نامزدها می دهند من اگر رئیس جمهور بشوم این کار را می کنم، من می گویم آقا اگر کسی رئیس جمهور شد آنچه که در اختیارش هست باید از خدمات کم کند چاره ای ندارد، نه که دلش بخواهد کم کند مجبور است کمک کند.

مجری: آقای دکتر اگر این ها را بگوید مردم به او رأی می دهند؟

قدیری: اگر مردم آگاه باشند به این مسائل رأی می دهند اما اگر آگاه نباشند هر کسی وعده ی بزرگتری بدهد او رأی بیشتری می آورد. حداقلش می گوییم که این آقا صادق است. بنده این را هم عرض بکنم همینطور که مردم ما تصورشون از درآمد نفت اینطوری نیست من می شناسم آدمهای زیادی در مجلس که حتی دوره شان هم تمام شده و چند دوره هم مجلس بودند حتی از مسئولان اقتصادی کشور که اعداد و ارقام کل را از حفظند ولی وقتی می گویی نفری ماهی چقدر آنها هم نجومی می گویند.

مجری: یعنی شما اگر احراز صلاحیت می شدید صادقانه این حرف هارا می زدید؟

قدیری: اصلا من آدم نامزد بشوم که این حرف هارا بزنم، یعنی اگر رأی هم نیاوردم همین گفتمان را ما مطرح بکنیم در آن برد است یعنی به نفع مملکت است.

مادر سال ۹۱ پیش بینی شده بود نفری ماهی ۱۸۲ هزار تومان بودجه عمومی باشد اما از این مبلغ ۱۱۱ هزار تومانش محقق شد یعنی ۷۰ هزار تومانش عملاً تأمین نشد حالا امسال (۱۳۹۲) پیش بینی شده نفری ۲۰۵ هزار تومان باشد که البته ۳۱ هزار تومانش کسری بودجه است یعنی اوراق مشارکت و چیزهای دیگر تأمین می کند. از این مقدار چقدر تأمین خواهد شد؟ خب یک میلیون بشکه کمتر قرار است که ما صادر کنیم.